

پولس در حضور شورای یهودیان

¹ پس پولس به اهل شورا نیک نگرسته، گفت: ای برادران، من تا امروز با کمال ضمیر صالح در خدمت خدا رفتار کرده‌ام. ² آنگاه حنانيا، رئيس كهته، حاضران را فرمود تا به دهانش زنند. ³ پولس بدو گفت: خدا تو را خواهد زد، ای دیوار سفیدشده! تو نشسته‌ای تا مرا برحسب شریعت داوری کنی و به ضد شریعت حکم به زدن می‌کنی؟ ⁴ حاضران گفتند: آیا رئيس كهته خدا را دشنام می‌دهی؟ ⁵ پولس گفت: ای برادران، ندانستم که رئيس كهته است، زیرا مكتوب است: حاکم قوم خود را بد مگوی.

⁶ چون پولس فهمید که بعضی از صدوقیان و بعضی از فریسیان، در مجلس ندا در داد که: ای برادران، من فریسی، پسر فریسی هستم و برای امید و قیامت مردگان از من باز پرس می‌شود. ⁷ چون این را گفت، در میان فریسیان و صدوقیان منازعه برپا شد و جماعت دو فرقه شدند، ⁸ زیرا که صدوقیان منکر قیامت و ملائکه و ارواح هستند لیکن فریسیان قائل به هر دو. ⁹ پس غوغای عظیم برپا شد و کاتبان از فرقه فریسیان برخاسته مخاصمه نموده، می‌گفتند که: در این شخص هیچ بدی نیافته‌ایم و اگر روحی یافرشته‌ای با او سخن گفته باشد با خدا جنگ نباید نمود.

¹⁰ و چون منازعه زیاده‌تر می‌شد، مینباشی ترسید که مبادا پولس را بدرند. پس فرمود تا سپاهیان پایین آمده، او را از میانشان برداشته، به قلعه درآوردند. ¹¹ و در شب همان روز خداوند نزد او آمده، گفت: ای پولس، خاطر جمع باش زیرا چنانکه در اورشليم در حق من شهادت دادی، همچنین باید در روم نیز شهادت دهی.

توطئه علیه پولس

¹² و چون روز شد، یهودیان با یکدیگر عهد بسته، بر خویشتن لعن کردند که تا پولس را نکشند، نخورند و ننوشند. ¹³ و آنانی که درباره این، همقسم شدند، زیاده از چهل نفر بودند. ¹⁴ اینها نزد رؤسای كهته و مشایخ رفته، گفتند: بر خویشتن لعنت سخت کردیم که تا پولس را نکشیم چیزی نجشیم. ¹⁵ پس الآن شما با اهل شورا، مینباشی را اعلام کنید که او را نزد شما بیاورد که گویا اراده دارید در احوال او نیکوتر تحقیق نمایید؛ و ما حاضر هستیم که قبل از رسیدنش او را

¹ قَتَرَسَ يُولُسُ فِي الْمَجْمَعِ وَقَالَ: أَيُّهَا الرِّجَالُ الْإِخْوَةُ، إِنِّي يَكُلُّ صَمِيرٍ صَالِحٍ قَدْ عِشْتُ لِلَّهِ إِلَى هَذَا الْيَوْمِ. ² قَامَرَ حَنَانِيَا، رَيْسُ الْكَهَنَةِ، الْوَاقِفِينَ عِنْدَهُ أَنْ يَضْرِبُوهُ عَلَى قِمِهِ. ³ جَبَنَ قَالَ لَهُ يُولُسُ: سَيَضْرِبُكَ اللَّهُ، أَيُّهَا الْخَائِطُ الْمُبَيِّضُ، أَقَانْتُ جَالِسٌ تَحْكُمَ عَلَيَّ حَسَبَ النَّامُوسِ وَأَنْتَ تَأْمُرُ بِضَرْبِي مُخَالِفًا لِلنَّامُوسِ؟ ⁴ فَقَالَ الْوَاقِفُونَ: أَتَسُبُّمُ رَيْسَ كَهَنَةِ اللَّهِ؟ فَقَالَ يُولُسُ: لَمْ أَكُنْ أَعْرِفُ، أَيُّهَا الْإِخْوَةُ، أَنَّهُ رَيْسُ كَهَنَةٍ لِأَنَّهُ مَكْتُوبٌ: "رَيْسُ سَعْيِكَ لَا تَقُلْ فِيهِ سُوءًا".

⁶ وَلَمَّا عَلِمَ يُولُسُ أَنَّ قِسْمًا مِنْهُمْ صَدُوقِيُّونَ وَالْآخَرُ قَرَيْسِيُّونَ صَرَخَ فِي الْمَجْمَعِ: أَيُّهَا الرِّجَالُ الْإِخْوَةُ، أَنَا قَرَيْسِيٌّ ابْنُ قَرَيْسِيٍّ، عَلَى رَجَاءِ قِيَامَةِ الْأَمْوَاتِ أَنَا أَحَاكُمُ. ⁷ وَلَمَّا قَالَ هَذَا حَدَثَتْ مُنَازَعَةٌ بَيْنَ الْقَرَيْسِيِّينَ وَالصَّدُوقِيِّينَ وَانْشَقَّتِ الْجَمَاعَةُ. ⁸ لِأَنَّ الصَّدُوقِيِّينَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَيْسَ قِيَامَةٌ وَلَا مَلَائِكٌ وَلَا رُوحٌ، وَأَمَّا الْقَرَيْسِيُّونَ فَيَقُولُونَ يَكُلُّ ذَلِكَ. ⁹ فَحَدَّثَ صَيَاخٌ عَظِيمٌ وَتَهَضَّ كَثِيرُهُ قِسْمُ الْقَرَيْسِيِّينَ وَطَفِقُوا يُخَاصِمُونَ قَائِلِينَ: لَسْنَا نَجِدُ شَيْئًا رَدِيًّا فِي هَذَا الْإِنْسَانِ، وَإِنْ كَانَ رُوحٌ أَوْ مَلَائِكٌ قَدْ كَلَّمَهُ فَلَا تُحَارِبَنَّ اللَّهَ.

¹⁰ وَلَمَّا حَدَّثَتْ مُنَازَعَةٌ كَثِيرَةٌ اخْتَشَى الْأَمِيرُ أَنْ يَفْسَحُوا يُولُسَ، قَامَرَ الْعَسْكَرُ أَنْ يُنْزِلُوا وَيَخْتَطِفُوهُ مِنْ وَسْطِهِمْ وَيَأْتُوا بِهِ إِلَى الْمُعَسْكَرِ. ¹¹ وَفِي اللَّيْلَةِ الثَّلَاثَةِ وَقَفَ بِهِ الرَّبُّ وَقَالَ: ثِقْ، يَا يُولُسُ، لِأَنَّكَ كَمَا سَهَدْتَ بِمَا لِي فِي أَوْرَشَلِيمَ هَكَذَا يَتَّبِعِي أَنْ تَشْهَدَ فِي رُومِيَّةٍ أَيْضًا.

مكیده قتل الرسول بولس

¹² وَلَمَّا صَارَ النَّهَارُ صَنَعَ بَعْضُ الْيَهُودِ اتِّفَاقًا وَخَرَّمُوا أَنْفُسَهُمْ قَائِلِينَ: إِنَّهُمْ لَا يَأْكُلُونَ وَلَا يَشْرَبُونَ حَتَّى يَقْتُلُوا يُولُسَ. ¹³ وَكَانَ الَّذِينَ صَنَعُوا هَذَا التَّخَالُفَ أَكْثَرُ مِنْ أَرْبَعِينَ. ¹⁴ فَتَقَدَّمُوا إِلَى رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَالشُّيُوخِ وَقَالُوا: قَدْ خَرَّمْنَا أَنْفُسَنَا جِزْمًا أَنْ لَا نَذُوقَ شَيْئًا حَتَّى نَقْتُلَ يُولُسَ. ¹⁵ وَالْآنَ أَعْلِمُوا الْأَمِيرَ أَنَّكُمْ مَعَ الْمَجْمَعِ لَكُمْ بُنْزَلُهُ إِلَيْكُمْ عَدَا كَأَنَّكُمْ مُرْمَعُونَ أَنْ تَفْخَضُوا بِأَكْثَرِ تَذْقِيقِ عَمَّا لَهُ، وَتَحْجُنْ، قَبْلَ أَنْ يَقْتَرِبَ، مُسْتَعِدُّونَ لِقَائِهِ. ¹⁶ وَلَكِنَّ ابْنَ أَحْبَ يُولُسَ سَمِعَ بِالْكَيْمِينَ فَجَاءَ وَدَخَلَ الْمُعَسْكَرَ وَأَخْبَرَ يُولُسَ. ¹⁷ فَاسْتَدْعَى يُولُسُ وَاحِدًا مِنْ قَوَادِ الْمَنَاتِ وَقَالَ: اذْهَبْ بِهَذَا الشَّابِّ إِلَى الْأَمِيرِ لِأَنَّ عِنْدَهُ شَيْئًا يُخْبِرُهُ بِهِ. ¹⁸ فَاحْذَرَهُ وَأَخْصَرَهُ إِلَى الْأَمِيرِ وَقَالَ: اسْتَدْعَانِي الْأَسِيرُ

بُولُسُ وَطَلَبَ أَنْ أُخْضَرَ هَذَا الشَّابَّ إِلَيْكَ وَهُوَ عِنْدَهُ
شَيْءٌ لِيَقُولَهُ لَكَ.¹⁹ فَأَخَذَ الْأَمِيرُ يَدَيْهِ وَتَحَى بِهِ مُنْقِرِدًا
وَاسْتَحْتَرَهُ: مَا هُوَ الَّذِي عِنْدَكَ لِتُخَيِّرَنِي بِهِ؟²⁰ فَقَالَ: إِنَّ
الْيَهُودَ تَعَاهَدُوا أَنْ يَطْلُبُوا مِنْكَ أَنْ تُنْزِلَ بُولُسَ عَدَا إِلَى
الْمَجْمَعِ كَأَنَّهُمْ مُزْمِعُونَ أَنْ يَسْتَحْجِرُوا عَنْهُ بِأَكْثَرِ
تَذَقُّقٍ.²¹ فَلَا تَقْدِرْ إِلَيْهِمْ لِأَنَّ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِينَ رَجُلًا مِنْهُمْ
كَامِنُونَ لَكَ، قَدْ حَرَمُوا أَنْفُسَهُمْ أَنْ لَا يَأْكُلُوا وَلَا يَشْرَبُوا
حَتَّى يَقْتُلُوهُ. وَهُمْ الْآنَ مُسْتَعِدُّونَ مُسْتَطَرِّوْنَ الْوَعْدَ
مِنْكَ.²² فَأَطْلَقَ الْأَمِيرُ الشَّابَّ مُوصِيًا إِياهُ أَنْ: لَا تَقُلْ
لَا حِدٍ إِنَّكَ أَعْلَمْتَنِي بِهِذَا.

أمر تهريب الرسول بولس الى قيصرية

²³ ثُمَّ دَعَا اثْنَيْنِ مِنْ فُؤَادِ الْمَنَاتِ وَقَالَ: أَعِدَّا مَنِيَّ
عَسْكَرِيَّ لِيَذْهَبُوا إِلَيَّ قَيْصَرِيَّةَ وَسَبْعِينَ فَارِسًا وَمَنِيَّ
رَامِحٍ مِنَ السَّاعَةِ الثَّالِثَةِ مِنَ اللَّيْلِ،²⁴ وَأَنْ يُعَدِّمَا دَوَابَّ
لِيُرْكَبَا بُولُسَ وَبُوصِلَاةَ سَالِمًا إِلَى فِيلِكْسِ
الْوَالِي. وَكَتَبَ رِسَالَةً خَاصَّةً هَذِهِ الصُّورَةَ:

²⁶ كَلُودِيُوسُ لِيَسِيَّاسُ يُهْدِي سَلَامًا إِلَى الْعَزِيزِ فِيلِكْسِ
الْوَالِي. هَذَا الرَّجُلُ لَمَّا أَمْسَكَهُ الْيَهُودُ وَكَانُوا مُزْمِعِينَ
أَنْ يَقْتُلُوهُ أَقْبَلْتُ مَعَ الْعَسْكَرِ وَأَنْقَذْتُهُ إِذْ أُخْرِثُ أَنَّهُ
رُومَانِيٌّ.²⁸ وَكُنْتُ أُرِيدُ أَنْ أَعْلَمَ الْعِلَّةَ الَّتِي لِأَجْلِهَا كَانُوا
يَسْتَكُونُونَ عَلَيْهِ فَأَنْزَلْتُهُ إِلَى مَجْمَعِهِمْ،²⁹ فَوَجَدْتُهُ مَسْكُورًا
عَلَيْهِ مِنْ جِهَةِ مَسَائِلِ تَأْمُوسِهِمْ، وَلَكِنْ بَشَكْوَى تَسْجُوقٍ
الْمَوْتِ أَوْ الْقُبُورِ لَمْ تَكُنْ عَلَيْهِ،³⁰ ثُمَّ لَمَّا أَعْلِمْتُ بِمَكِيدَةِ
عَتِيدَةٍ أَنْ تُصَيَّرَ عَلَى الرَّجُلِ مِنَ الْيَهُودِ أَرْسَلْتُهُ لِلْوَقْتِ
إِلَيْكَ أَمِيرًا الْمُسْتَكِينِ أَيْضًا أَنْ يَقُولُوا لَدَيْكَ مَا عَلَيْهِ. كُنْ
مُعَافًى.

³¹ فَالْعَسْكَرُ أَخَذُوا بُولُسَ كَمَا أَمَرُوا وَذَهَبُوا بِهِ لَيْلًا إِلَى
أَنْتِيبَاتَرِيَس. وَفِي الْعَدِ تَرَكُوا الْفُرْسَانَ يَذْهَبُونَ مَعَهُ
وَرَجَعُوا إِلَى الْمُعَسْكَرِ.³³ وَأُولَئِكَ لَمَّا دَخَلُوا قَيْصَرِيَّةَ
وَدَفَعُوا الرِّسَالَةَ إِلَى الْوَالِي أَخْضَرُوا بُولُسَ أَيْضًا
إِلَيْهِ.³⁴ فَلَمَّا قَرَأَ الْوَالِي الرِّسَالَةَ وَسَأَلَ، مِنْ أَبَةِ وَلَايَةِ هُوَ
وَوَجَدَ أَنَّهُ مِنْ كِيلِيكِيَّةَ،³⁵ قَالَ: سَأَسْمَعُكَ مَتَى حَضَرَ
الْمُسْتَكُونُونَ عَلَيْكَ أَيْضًا. وَأَمَرَ أَنْ يُحْرَسَ فِي قَصْرِ
هِيَرُودُسَ.

بُكْشِيم.¹⁶ أَمَّا خَواهرزاده بُولُسَ از كمين ايشان اطلاع
يافته، رفت و به قلعه درآمده، پُولُسَ را
آگاهانید. ¹⁷ پُولُسَ یکی از یوزباشیان را طلبیده، گفت:
این جوان را نزد مینباشی ببر زیرا خبری دارد که به او
بگوید.¹⁸ پس او را برداشته، به حضور مینباشی
رسانیده، گفت: پُولُسَ زندانی مرا طلبیده، خواهش
کرد که این جوان را به خدمت تو بیاورم، زیرا چیزی
دارد که به تو عرض کند.¹⁹ پس مینباشی دستش را
گرفته، به خلوت برد و پرسید: چه چیز است که
می‌خواهی به من خبر دهی؟²⁰ عرض کرد، یهودیان
متفق شده‌اند که از تو خواهش کنند تا پُولُسَ را فردا
به مجلس شورا درآوری که گویا اراده دارند در حق او
زیادتر تفتیش نمایند.²¹ پس خواهش ایشان را اجابت
مفرما زیرا که بیشتر از چهل نفر از ایشان در کمين
ویاند و به سوگند عهد بسته‌اند که تا او را نکشند چیزی
نخورند و نیاشامند و الآن مستعد و منتظر وعده تو
می‌باشند.²² مینباشی آن جوان را مرخص فرموده:
قدغن نمود که به هیچ‌کس مگو که مرا از این راز
مطلع ساختی.

قاچاق پُولُسَ به قيصرية

²³ پس دو نفر از یوزباشیان را طلبیده، فرمود که:
دویست سپاهی و هفتاد سوار و دویست نیزه‌دار در
ساعت سوم از شب حاضر سازید تا به قیصریه
بروند؛²⁴ و مرکبی حاضر کنید تا پُولُسَ را سوار کرده،
او را به سلامتی به نزد فیلکس والی برسانند.²⁵ و
نامه‌ای بدین مضمون نوشت:

²⁶ کَلُودِيُوسُ لِيَسِيَّاسُ، به والی گرامی فیلکس سلام
می‌رساند. ²⁷ یهودیان این شخص را گرفته، قصد قتل او
داشتند. پس با سپاه رفته، او را از ایشان گرفتم، چون
دریافت کرده بودم که رومی است.²⁸ و چون خواستم
بفهمم که به چه سبب بر وی شکایت می‌کنند، او را به
مجلس ایشان درآوردم.²⁹ پس یافتم که در مسائل
شریعت خود از او شکایت می‌دارند، ولی هیچ
شکوه‌ای مستوجب قتل یا بند نمی‌دارند.³⁰ و چون خبر
یافتم که یهودیان قصد کمین‌سازی برای او دارند،
بی‌درنگ او را نزد تو فرستادم و مدعیان او را نیز
فرمودم تا در حضور تو بر او ادعا نمایند والسلام.

³¹ پس سپاهیان چنانکه مأمور شدند، پُولُسَ را در شب
برداشته، به آنتیپاتریس رسانیدند.³² و بامدادان سواران

را گذاشته که با او بروند، خود به قلعه برگشتند.³³ و چون ایشان وارد قیصریه شدند، نامه را به والی سپردند و پولس را نیز نزد او حاضر ساختند.³⁴ پس والی نامه را ملاحظه فرموده، پرسید که از کدام ولایت است. چون دانست که از قیلیقیّه است،³⁵ گفت: چون مدّعیان تو حاضر شوند، سخن تو را خواهم شنید. و فرمود تا او را در سرای هیروдіس نگاه دارند.